

ضربه بر فولکلور دف ساز ضربه بر فرهنگ و زبان نیز است

(به تقاضای یک تن از جوانان قلم بدست نوشته شد)

(بخش اول)

نوشته: دکتور خوش نظر پامیرزاد



۲۴ قوس ۱۳۹۱

فولکلور عقاید، رسوم و سایر داشته های باستانی مردم را نامند. این عقاید، رسوم و داشته ها از نظر قدامت تاریخی بسیار متنوع اند که شامل افسانه ها، داستان ها، موسیقی، رقص، تاریخ و ادب شفاهی، ضرب المثل ها، هزلیات و امثال آن می شود. اقوام قدیمی همه این فولکلور را داشته اند. تعدادی از این اقوام توانسته اند که آن را زیر قلم آورده و به عنوان یک گنجینه بدسترس نسل های مابعد خود بگذارند. مگر همه اقوام نتوانسته، چنین گنجینه ای را ماندگار بسازند که با مرور ایام بخشی از این گنجینه نابود گردیده است.

فولکلور که بر زمینه های اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد؛ بیانگر حقایقی از این زمینه ها از ایام قدیم می باشد که سینه به سینه طی عرصه های دراز از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. افسانه ها، داستان ها، موسیقی، رقص، تاریخ و ادب شفاهی، ضرب المثل ها، احکام و امثال، اسطوره و دیگر عناصر فولکلور به شکلی از اشکال آن زنده گی قدیمی را تجسم می دهند. به فراموشی سپردن این داشته ها ضربه مهلکی بر پیکر فرهنگ یک قوم یا یک ملت که فولکلور جزء ای از آن است؛ وارد می سازد. اگر صحبت را به یکی از این داشته ها اختصاص بدهیم و آن را در زمینه ارزش های فرهنگی و زبانی ارزیابی نمائیم، این واقعیت روشن می شود.

فولکلور «دف ساز» بخشی از موسیقی قدیمی پامیر می باشد که مثل حیات این اقوام شاید از عصر باستان باشد. چهره و داشته های این موسیقی حکایه گر مناسبات اجتماعی و فرهنگی این اقوام از سده های اولیه و چه بسا که قبل از آن خواهد بود. تنوع زیاد آداب و رواج ها و عقاید در میان پامیریها است که این زیاد بودن تنوع فولکلور آن از غنای فرهنگی شان تصدیق می دارد. یکی از بخش های فولکلور این اقوام موسیقی آن ها است که با دف اجرا می گردد که به نام «دف ساز» مسمی گردیده است. این موسیقی در میان همه پامیری ها وجود دارد و این نوشتار به «دف ساز» شغنان اختصاص داده می شود.

اقوام شغنانی که به زبان خود، خود را «خبرنونی» می گویند؛ نظر به شواهد تاریخی در عصرهای قبل از میلاد و پس از آن در عصرهای میلادی الی عصر ششم در میان اقوام آریایی از نیرومندی زیادی برخوردار بوده اند که شواهد تاریخی گواهی از آن می دهند که نیازمند پژوهش بیشتر در مورد حاکمیت آن ها است. فولکلور غنی این اقوام بیانگر این امر است که آن ها دارای قدامت تاریخی زیادی می باشند. آن ها ارزش های بزرگ تاریخی را تا هنوز هم محفوظ داشته؛ چه در عرصه موسیقی، تاریخ و ادب شفاهی و مشخص تر از همه دارای فولکلور ظرافتگویی و هزل می باشد. آداب و رواج های آریایی های اولیه را هنوز نگه داشته و قربانی های زیادی نیز در حمایت از آن داده اند. در این نوشتار بر فولکلور «دف ساز» تمرکز داده می شود که این فولکلور در حال نابودی قرار دارد.

موسیقی این سرزمین از غنی ترین اشکال موسیقی است که از نظر بکار برد آن در محافل و دیگر جایگاه ها در دو بخش موسیقی سور و خوشی و موسیقی مذهبی و عرفانی اجرا می گردد. بخش موسیقی مذهبی و موسیقی در محافل عرفانی را «مداح خوانی» می نامند. این بخش موسیقی در همه ساحات پامیرزمین بدون کدام تفاوتی در مراسم عزاداری و محافل عرفانی اجرا می گردد که امروز کاملاً شکل منفرد موسیقی در جهان اسلام خواهد بود.

اما در رابطه به موسیقی سور و خوشی باید افزود که این نوع موسیقی در مناطق مختلف پامیرزمین با وجود اشتراکات تمایزاتی هم دارد. این موسیقی در شغنان به شیوه های گوناگون با آلات مختلفه اجرا می شود. در محافل عروسی، محافل رونمایی عروس که قبلاً به جای آن محفل «جامه بران» برای عروس برگزار می گردید، محفل خوشی

نوزاد که روز هفتم برپا می شود، محفل ختنه سوری پسران ، محفل نخستین سرتراشیدن تعدادی از اولاد ها، محفل خوشی ترخیص عسکری و در این سال ها محفل خوش آمد افرادی که بعد از سال های دور و دراز به وطن بر می گردند، پیشواز گرفتن مهمانان عالی مقام، مهمانی و محفل شب نشینی صدای موسیقی خوشی بلند می شود. این موسیقی با مقام و پرده های زیادی نواخته میشود. فلک دل انگیزترین مقام این موسیقی می باشد که علاقمندان زیادی دارد، علاوه بر فلک مقام رهیای یکی از آن مقام هایی است که بیشترین کسان را به سوی خود می کشد که این مقام به رقص اختصاص داشته چه در خانه ها و چه در جریان راهپیمایی اجرا می گردد، آهنگ های فولکلور زیادی در این موسیقی دخیل است که بیشترین توجه را آهنگ «درگیلک» به خود جلب می کند. در این آهنگ هنرمند با سوز عجیبی روبرو است، آهنگ «سیکنک» که اضافه تر جنبه تمثیلی را به خود می گیرد، به همین سان امروز آهنگ های دیگری نیز در این موسیقی شامل گردیده است.

در موسیقی سور و خوشی در سال های گذشته دورتر تنها دف از آلات موسیقی شامل بود که بعدها چنگ و نی نیز به آن همراه شد. دنبوره بعدتر از آن به این موسیقی راه یافت. سپس غیچک نیز با آن ها یکجا شده و کم کم در این موسیقی تغییراتی رونما گردید. رباب به این موسیقی راه یافت، اما نه رباب آن محل بلکه رباب از جای دیگری آمد. با آن که موسیقی دف و رباب مشخصه موسیقی مذهبی و عرفانی در این منطقه میباشد و از سالیان متمادی رباب در این مرزو بوم وجود داشت. مگر این رباب که آن را رباب «مداح» می نامند، شامل موسیقی محافل خوشی نشد. در عوض رباب دیگری که نسبت به این رباب دارای ساختمان بغرنج تر و پرده های بیشتر بود و آن را «کابلی رباب» گویند، با آلات موسیقی همراه شد. با گذشت زمان طبله یا طبلک هم امروز در این موسیقی کار گرفته می شود. هم چنان اکاردیون و ارمونیه نیز شامل این موسیقی هستند و از آلات تازه وارد موسیقی کاسیو می باشد که در سال های اخیر تا شغنان رسیده است.

از جمله عناصر موسیقی سور و خوشی موسیقی فولکلور «دف ساز» است که دارای عناصر موسیقیت و شیوه اجرای ویژه میباشد. اجرای دف ساز صرف با آله دف صورت می گرفت. از قراین و شواهد قابل دید معلوم می شود که این موسیقی از دستاوردهای قدیمی سرزمین آریانا بوده که میراث آن تا عصر حاضر رسیده است. دف ساز شغنان همان «قرصک» پنجشیر و «دف بزم» اشکاشم می باشد، با این تفاوت

که قرصک و دف بزم صرفاً در یک مقام اجرا می‌گردد. در صورتی که دف ساز دارای مقام های زیادی است. این مقام ها گام به گام یا مرحله به مرحله به اوج و وجد و هیجان می‌رسد. اوج وجد و هیجان همان مقامی است که قرصک و دف بزم سروده می‌شود که در دف ساز آن را مقام «یک بنده» می‌گویند.

موسیقی دف ساز از چند نطقه نظر قابل دقت و مطالعه می‌باشد که می‌توان طور ذیل به آن دقت را معطوف داشت:

نظام خاص آهنگ های دف ساز: دف ساز با انتظام و ترتیب خاص اجرا می‌گردد. طوری که اجرای هر آهنگ آن نظر به زمان محفل عروسی و محل موجودیت شه مرد صورت می‌گیرد که این شیوه کار در هیچ محفل عروسی مناطق دیگر به چشم نمی‌خورد. نظر به زمان محفل عروسی مقام ها و پرده های خاصی با مضمون خاص اجرا می‌شود؛ به این ترتیب:

* - **آهنگ «سرتراشان»:** آهنگ سرتراشان با دمیدن شفق سروده میشود. طوری که از مفهوم این کلمه بر میآید، سرتراشان کلمه ترکیبی که از «سر» و «تراشان» تشکیل یافته است. که معنای آن «تراش سر» میباشد. اصطلاح سرتراشان نام مراسم و نام آهنگی است در محفل عروسی که در خانه شه مرد اجرا می‌شود. در این جا بحث ما به مراسم سرتراشان نبوده، بلکه از آهنگ سرتراشان صحبت خواهیم داشت. این آهنگ در آغاز مراسم سرتراشان سروده میشود. شخصی که برای پوشانیدن لباس شه مرد توظیف است؛ در قدمه اول موی سر شه مرد را می‌تراشد. با پیش کردن تیغ بر موی شه مرد هنرمندان آواز خوان به سرودن می‌پردازند که مطلع آهنگ «امروز چه روز؟ - سرتراشان ای» است.

این آهنگ را دسته ای از آوازخوانان اجرا می‌نمایند که هر یک آن ها دف را در دست دارند. اجرای این آهنگ طوری است که یک هنرمند مطلع را آغاز نموده و دیگران او را تعقیب می‌نمایند. هنرمندی که آغاز می‌کند، او را «فراورخوان» و هنرمندان دیگری که مطلع آهنگ را تکرار می‌خوانند؛ به نام «قاشقگوی» یاد می‌شوند. فراورخوان شه مرد را به شکلی معرفی میدارد که از سر شروع نموده و تا پا او را وصف می‌گوید. بعد از هر چار مصرع قاشقگویان مطلع را تکرار می‌کنند؛ به این شکل:

امروز چه روز؟ - سرتراشان ای سرک (۱) شه؟ - تربوز غلیان ای
مویک شه؟ - شب شبستان ای پیشانی شه؟ - تخت سلیمان ای
شه سوار ما سواران ای، شه برآمد از خراسان ای
سه صد سوار نیزه گردان ای، امروز چه روز؟ سرتراشان ای

ابروی شه؟ - کمان ملتان ای چشمان شه؟ - خمار مستان ای
بینی شه؟ - تیغ لـرزان ای در گوش شه؟ - گوشوار اویزان ای
شه سوار ما سواران ای، شه برآمد از خراسان ای
سه صد سوار نیزه گردان ای، امروز چه روز؟ سرتراشان ای

لبان شه؟ - پسته خندان ای دندان شه؟ - یاقوت و مرجان ای
زبان شه؟ - بلبل خوشخوان ای رویک شه؟ - چون ماه تابان ای
شه سوار ما سواران ای، شه برآمد از خراسان ای
سه صد سوار نیزه گردان ای، امروز چه روز؟ سرتراشان ای

گردن شه؟ - بیاض افغان ای سینه ک شه؟ - برف زمستان ای
قدک شه؟ - خمچه لـرزان ای انگشت شه؟ - پلته (۲) روشن ای
شه سوار ما سواران ای، شه برآمد از خراسان ای
سه صد سوار نیزه گردان ای، امروز چه روز؟ سرتراشان ای

رفتار شه؟ - کبک خرامان ای در پای شه؟ - کفش (۳) بدخشان ای
پدر شه؟ - بالای دوکان (۴) ای مادر شه؟ - بالای دیکدان ای
شه سوار ما سواران ای، شه برآمد از خراسان ای
سه صد سوار نیزه گردان ای، امروز چه روز؟ سرتراشان ای

در این آهنگ چند نکته قابل توضیح اند که به شماره گرفته شده اند:

۱ - سرک مراد از سر است که کلمه «سر» را هنرمند با پسوند «ک» با کسره می خواند. پسوند «ک» در زبان شغنائی اگر با کسره ادا شود؛ معنای «محبت» را افاده می کند و اگر با فتحه ادا گردد؛ معنای تصغیر را می دهد که در این آهنگ آوازخوان آن را با کسره ادا می نماید.

۲- مراد از کلمه «پلته» آن است که در ریسیدن تار اولاً پنبه را به شکلی می آورند که برای رشتن آسان گردد. آن شکل پنبه را پلته گویند که انگشت شه به آن تشبیه گردیده، از این که در روشن دختران، ریسنده گان ماهری استند؛ انگشت شه به پلته آن ها تشبیه شده است.

۳- کفش نام پاپوشی است که قبلاً در بدخشان از چرم ساخته می شد که امروز بوت آن را عوض کرده است. کفش بدخشان از نظر جنسیت و ساختمان بسیار مشهور بود که در عروسی ها برای شه مرد و عروس خریداری می گردید.

۴- کلمه دوکان مراد از یک بخش ساختمان درونی چید (خانه های پامیری) میباشد. در برخی مناطق بدخشان و از جمله شغنان آن را «نهخ» گویند که همه مهمانان مردانه محفل عروسی در دوکان خانه و زنان در بالای دیکدان خانه جای دارند.

مراسم اجرای سرتراشان دارای عناصر خاص و ویژه است. این مراسم برای لباس پوشاندن شه مرد انجام داده می شوند. آهنگ سرتراشان تا ملبس ساختن کامل شه مرد دوام می کند.

* - آهنگ «یک دانه مرواری»: زمانی آهنگ «سرتراشان» به پایان می رسد؛ هنرمندان آهنگ «یک دانه مرواری» را می خوانند که یک آهنگ فولکلور است. این آهنگ با جذب و شور زیادی اجرا می شود که با آغاز آن هنرمندی که مهارت رقص را داشته باشد به پایگه می رود. پایگه مراد از قسمتی از چید است که پائینتر از نهخ قرار داشته و محل اجرای رقص می باشد که به این ارتباط هنوز ضرب المثلی در بین مردم رایج است که می گویند: «کمپیر رقص نمی تواند اما میگوید که پایگه تنگ است». هنر رقص نیز ویژه گی های خود را دارد که با آهنگ «یک دانه مرواری» در تلفیق می باشد. هنرمندی که آهنگ متذکره را می خواند، همه آن ابیاتی که در سرتراشان خوانده شدند، به طرز دیگری اجرا میدارد؛ به این صورت:

یک دانه مرواری - سه صد دانه مرواری
من بنده به سرکم - تربوز غلیان واری ای
من بنده به موپکم - شب شبستان واری ای
من بنده به پیشانیم - تخت سلیمان واری ای

هنرمند این آهنگ را با همه ابیات به شکل بالایی می خواند و قاشق خوانان مطلع آهنگ را تکرار می کنند که در حقیقت به شکل دیگری به توصیف شه مرد می پردازند و در این مقطع تمرکز بیشتر محفل بر اجرای رقص فولکلوریک می باشد که با این آهنگ آغاز

می شود و سپس با آهنگ بعدی به سوی اوج می رود که هنر رقص نیز با آن به احساسات بیشتر می رود تا آن جا که هر بیننده مجذوب دیدن حرکات موزون هنرمند در رقص می شود و به تحسین وی می پردازد. رقص را آهنگ پرجذبه ای به جوش می آورد که هنرمند با آواز گیرا و دلانگیز همآهنگ با صدای دف می خواند:

دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که وای بر من خواهد شد آشکارا

غزل زیبایی که در این آهنگ خوانده می شود همه را به جوش می آورد که هر بیننده به شکلی ابراز احساسات میدارد و به کف زدن می پردازند. این آهنگ در مقام یا پرده «یک بنده» خوانده می شود که اوج موسیقی شاد عروسی دف ساز را به نمایش می گذارد. فرآورخوان تک بیت های غزل را خوانده و قاشق خوانان مطلع غزل را تکرار می کنند.

*- آهنگ «شاه مبارک باد»: پس از آن که شه مرد در جایگاهش که تعیین شده، قرار می گیرد؛ آواز خوانان شه مرد را به تبریگی می گیرند، این تبریگی را با آهنگی شروع می کنند که مطلع آن : «شاه مبارک باد ای پادشاه سلامت باد ای» می باشد. این آهنگ را فرآورخوان با آواز رسا و وجد زیادی آغاز کرده که قاشق خوانان قاشق را اجرا می نمایند. آهنگ «شاه مبارک باد» تصویر اساسی عروسی است که خوشی و سرور را در هر فرد خانواده بر میانگیزد. ابیاتی که در این آهنگ خوانده میشوند؛ به این صورت:

شاه مبارک باد ای

پاتشا سلامت باد ای

بیا برویم سیل چمن - شاه مبارک باد ای

سیل کنیم چمن چمن - شاه مبارک باد ای

در هر چمن سه صد گل است - شاه مبارک باد ای

سه صدو شصت و شش گل است - شاه مبارک باد ای

اسپ سیاه زاغت ای - شاه مبارک باد ای

مادر نبیند داغت ای - شاه مبارک باد ای

مادر بیند بیبند - شاه مبارک باد ای

عاشق نبیند داغت ای - شاه مبارک باد ای

* - آهنگ «شاهم زیبایی»: آواز خوان با اختتام آهنگ «شاه مبارک باد» آهنگ دیگری را آغاز می نماید که به نام «شاهم زیبایی» یاد می گردد. در این آهنگ نیز آن ها به تعریف و توصیف شه مرد پرداخته و چنین دوام میدهند:

شاهم زیبایی ای
نقره گریبانی ای
دندان صدف داری ای شاهم زیبایی ای
خالهای صاف به صاف داری ای شاهم زیبایی ای
از خوبان شرف داری ای شاهم زیبایی ای
آدم به مهمانی ای شاهم زیبایی ای
یا اله تو میدانی ای شاهم زیبایی ای
آیی چه نیایی چه شاهم زیبایی ای
در حجره در آیی چه شاهم زیبایی ای
در حجره رقیب آمد شاهم زیبایی ای
شاهم زیبایی ای
نقره گریبانی ای

خاتمه این آهنگ شه مرد را آماده برآمدن از خانه می سازد که در حویلی او را با اسپ با زین و دیگر وسایل سواری انتظار دارند. زمانی که شه مرد از خانه برآمد و سوار بر اسپ شد، راه خانه عروس را پیش می گیرند که آواز خوانان «شاه مبارک باد» را با صدای رسا به خواندن می گیرند که بیرون از خانه صدای دل انگیز آن ها تا هر کجا می رود و همه گرد و نواح قشلاق ها از حرکت شه مرد باخبر شده و نوید عروسی به گوش ها می رسد. در حقیقت این آهنگ نه تنها که رسمیت عروسی را به گوش همه کس می رساند، بلکه خانه های مسیر راه را از حرکت شه مرد واقف می سازد؛ زیرا: یکی از رواجهای این منطقه است که شاه و عروس از مسیر هر قشلاقی که می گذرند، از خانه ها برای آن ها شیرروغن بیرون می آورند. بیرون کشیدن شیرروغن رسمی است از رسوم قدیم است که در منطقه با رسیدن عروس و شه مرد آن ها را با شیرروغن پیشواز می گیرند.

* - آهنگ «شاه مادر سفر ای»: پس از طی مسافتی با نزدیک شدن به قشلاقی آواز خوانان دف ساز آهنگی را می خوانند که به نام «شاه مادر سفر ای» یاد می گردد

اجرای این آهنگ در وسط راه یا خط السیر شه مرد اجرا می شود که فراورخوان مطلع را خوانده و قاشق خوانان به دوام او چنین می خوانند:

شاه ما در سفر ای
پاتشای ماه در سفر ای
کشتی به دریا می رود یارم به سودا می رود
سودا سودای ما شود روی رقیب سیاه شود
شاه ما در سفر ای
پاتشای ماه در سفر ای

* - آهنگ «شاه ما آمد»: با پیمودن راه تا خانه عروس و نزدیک شدن به خانه عروس آواز خوانان دف ساز که پیشاپیش شه مرد روان می باشند؛ با اجرای آهنگی ورود شه مرد را ابلاغ میدارند. این آهنگ را «شاه ما آمد» نام گذاشته اند که فراورخوان آغاز نموده و قاشق خوانان مطلع «شاه ما آمد ای - پاتشای ما آمد ای» را تکرار می نمایند؛ ابیات این آهنگ چنین خوانده می شود:

شاه ما آمد ای - پاتشای ما آمد ای
یار آمد یار آمد ای - شاه ما آمد ای
یار از ره دور آمد ای - شاه ما آمد ای
برخیز کنارش گیر - شاه ما آمد ای
از کوتل غبار آمد ای - شاه ما آمد ای
سه جوره سوار آمد ای - شاه ما آمد ای
یارم رفت و باز آمد ای - شاه ما آمد ای
شاه ما آمد ای - پاتشای ما آمد ای

آهنگ «شاه ما آمد» را هنرمندان ادامه میدهند تا زمانی که شه مرد به خانه داخل می شود.

* - آهنگ «شاه در آمد خانه ای»: وقتی شه مرد به خانه قدم گذاشت؛ فراورخوان دف ساز آهنگی را به مطلع «شاه در آمد خانه ای - چشمان شاه مستانه ای» شروع می

نماید و قاشق خوانان او را همراهی می کنند. این آهنگ تا وقتی دوام می نماید که شه مرد به جایگاهش که در نهخ (دوکان) است؛ قرار می گیرد.

* - آهنگ «شاه ما خوش آمدی»: زمانی شه مرد جابرجا شد و چای صرف گردید، آوازخوانان آهنگ «شاه ما خوش آمدی» می سرایند. فراورخوان مطلع را می خواند و قاشق خوانان او را تعقیب نموده و دوام می دهند؛ به این صورت:

شاه ما خوش آمدی پاتشای ما خوش آمدی
بر ما نظر نمی کنی - شاه ما خوش آمدی
چشمان خود بالا نگر - شاه ما خوش آمدی
مانند زاغان سربسر - شاه ما خوش آمدی
شاه ما خوش آمدی پاتشای ما خوش آمدی

زمانی مراسم نکاح اختتام مییابد و نکاح صورت گرفت؛ عروس پیشاپیش شه مرد از خانه می برآید و شه مرد از عقب او، آن گاه آوازخوانان با کوبیدن بر رخ دف های شان آهنگ «شاه برآمد خانه ای» را می خوانند. در برگشت شه مرد همراه با عروس هنرمندان همان آهنگ ها را تکرار می سرایند که تا آن وقت دوام می یابد که شه مرد و عروسی بر تخت عروسی می نشینند.

به این صورت دیده میشود که آهنگ های دف ساز در یک نظام انتظام یافته و به ترتیب محل، زمان و موقعیت شه مرد و عروس اجرا می شوند که این نظام آهنگ های آن از دوران باستان خبر می دهند.

ادامه دارد